

آمان از فساد محیط !

تا موقعیکه درد شناخته نشده و کیفیت آن معلوم نگردیده ؛ درمان آن بیهوده است . زیرا اولین پایه اصلاح مفاسد اجتماعی وریشه کن ساختن آنها ، دانستن ریشه و اصل آنهاست و بهترین طریق شناسایی امراض و دردها و حل و فصل مشکلات آن و یافتن دوا برای نابودی امراض اجتماعی ، مطرح ساختن اساس آلودگیها است .

روی این اصل باید از نویسندگان عالیقدر مجله «وزین» درسهایی از مکتب اسلام ، کمال تشکر و قدردانی کرد که در محیط تاریک اجتماع کنونی ما ، چراغی روشن کرده اند که گمشدگان راه حقیقت را بشاهراه هدایت راهبری کنند .

سؤالی که مطرح شده است از مسائل مهم روز است و همه به چشم خود مفاسد و شیوع آنرا در اجتماع کنونی مشاهده می کنند و می بینند که چگونه جوانان مادر منجلاب فساد و بی دینی و بی عفتی افتاده و دست و پاهای زنند و روز بروز بابت بختی و انحراف آنها از مسیر حق و حقیقت بیرون میبرد . و شاید پیش خود سؤال می کنند که منشأ این مفاسد و دور افتادن از حقایق اسلامی و دستورات دینی چیست و از کجا سرچشمه می گیرد ؟ .

بنظر بنده ریشه این سؤال را باید در محیط های مختلف زندگی و حوزه های فعالیت جوانان جستجو کرد . محیط خانواده ، محیط درس و بحث و آموزش ، محیط کسب و کار ، خلاصه سبب عمده آلودگیهای جوانان ناپاکی محیطها است . محیط پاک افراد پاک تربیت می کند و محیط ناپاک افراد ناصالح و ناپاک پرورش می دهد ، زیرا فساد اخلاق نتیجه مستقیم انحراف افکار از مسیر طبیعی و قوانین صحیح و درست است . و اعمال و افعال انسانی از

حیث خوبی تابع درستی و نادرستی افکار او است؛ افکار درست و صالح اعمال صحیح و عاقلانه بیار می‌آورد. و افکار نادرست و منحرف افعال غیر صحیح و منحرف را تقاضای کند و البته شرایط محیط و خصوصیات آن در افکار تأثیر عجیبی دارد.

برای اصلاح اعمال ناشایست طبقه جوان باید افکار آنان را در جاده مستقیم دینی تربیت نمود و تربیت افکار فقط بوسیله اصلاح محیط و شرایط زندگی آنان میسر است و اصلاح محیط نیز فقط به نیروی ایمان و اجراء قوانین عالیه اسلام ممکن است، نیروی ایمان در صورتی قوت پیدامی کند که عوامل فساد از اجتماع نابود گردد. یعنی از انتشار مجلات شهوت- انگیز و از ادامه برنامه‌های غیر عاقلانه رادیو ایران و از نشان دادن فیلم‌های مهیج شهوت در سینماها جلوگیری بعمل آید، وقتی ایمان قوت پیدا می‌کند که برنامه صحیح دینی در مدارس کشور تدریس و جدأ جزء برنامه گردد. مسئولیت ضعف ایمان و فساد اخلاق عمومی در درجه اول متوجه اولیاء امور اجتماعات است زیرا سر نوشت افراد اجتماع بدست زمامداران آن اجتماع میباشد.

بنابراین منشأ فساد اخلاق جوانان ناشی از نواقص فرهنگ و تربیت جوانان بوسیله افراد ناپاک و تقلیل برنامه‌های دینی در مدارس، و عدم اعتناء زمامداران بامور ملکیتی و کوتاهی در ایجاد کار در اجتماع و توسعه دامنه شهوات بوسیله مطبوعات و دستگاه‌های تبلیغاتی است. تمام این عوامل در انحراف افکار جوانان و در نتیجه در شیوع فساد اخلاق جوانان مؤثر است.

آقای مرتضی ساجدی از تهران

علت العال دو چیز است

برای فساد اخلاق جوانان ماعل بسیاری ذکر شده آنچه بیش از هر چیز بذهن میرسد و اغلب محور نظریه ها و تکیه گاه آراء مردم است؛ فساد محیط؛ مقالات و داستانهای موهوم عشقی؛ مجلات و عکسهای تحریک آمیز، و خلاصه باز بودن راه‌های مختلف شهوت رانی و نبودن تربیت صحیح است. البته تمام اینها در جای خود مسلم است ولی بفقیده من دو عامل اساسی است که علت العال و ریشه تمام این بدبختیهاست:

اول غفلت و بیخبری جامعه مسلمین از معارف حق و حقیقت معارف اسلام با روح دین که گویا نسنجیده مسلمانند.

دوم سستی و سهل انگاری مسئولین مذهبی که (تا اندازه ای با روح قرآن و تعالیم عالیه آن آشنایی دارند) در تبلیغ و اظهار حق و مقابله با انحرافات و مفاسد؛ البته آن عده از مبلغین دانشمند دلسوزی که تا حدود قدرت میکوشند و در تنویر افکار مردم و آشنا ساختن آنان بحقائق اسلام و وظیفه مقدس خود را انجام میدهند؛ مستثنی هستند، و حقوق ایشان در پیشگاه خدا و عقل و وجدان مورد نظر اقدس پیشوایان بزرگ اسلام است، ولی متأسفانه آنها آنقدر کم و شهوات و غوغای فساد و انحرافات آنقدر فضای زندگی و چشم و گوش و عقل مردم را پر کرده است که راهی برای نفوذ صدای این مردان حق و اصلاح نیست بنظر من تمام علل مذکوره فرع این دو اصل است فساد و انحراف اخلاق جوانان در اثر نداشتن مبادی ایمانی است، و بی ایمانی آنان نتیجه عدم تشخیص حق از باطل و ندیدن جلوۀ حق است تشخیص حق از باطل و مشاهده جلوۀ آن یا باید در اعمال توده مسلمان و طبقه دیندار دیده شود و یا از تبلیغات مدام و بی گیر مبلغین و روحانیون ظاهر گردد که متأسفانه هیچکدام (آنطور که باید) وجود ندارد حتی جولان بیگانگان و تاخت و تاز عوامل فساد برای این است که میدان را از میدانداران حق تهی میبینند؛ و الا کسانی که در مقابل کوچکترین مظهری از مظاهر شهوات و برای دست یافتن بیک خواسته موهوم شهوانی آنهمه خضوع کرده و زانو بر زمین میزنند در مقابل منطبق نافذ خدا پرستان و حق گوئی مردان اصلاح، شکسته تر و خاضع تر خواهند شد زیرا اراده و شخصیتی از خود ندارند این حقیقت بقدری روشن و صریح و شواهد آن بقدری زیاد است که ما را از طول سخن بی نیاز میکند.

در تهران ما بیش از هزار جلسه دینی است که پرچمهای رنگارنگ آن با نامهای مختلفشان در هر کوی و برزن خود نمایی میکند ولی همچون کالبدی بیروح که کوچکترین آثاری از حرکت و جنبش و فعالیت در آن دیده نمیشود از هر گونه نتیجه مثبتی خالی است. برنامه عمومی آنها بطور یکنواخت عبارت است از جمع شدن چند نفر و خواندن چند صفحه از قرآن و گفتن یکی دو مسئله شك و سهو و ذکر مصیبتی (ذکر مصیبت نه ذکر فضیلت و عظمت آنها) چه مصیبتی که باید برای خود این مصیبت خوانی گریه کرد! (نه مبلش محقق در حقائق اسلام و نه متمش مستعد درک حقائق!)

فرزندان همینها که جوانان اجتماع ما هستند نه از پدران خود و نه از این جلسات بومی از حقیقت به مشامشان نمیرسد که نفس مضطرب و سرگردان آنها را اندکی براه آورده و آرامشی

بخشد ، از طرفی جاذبه‌های مختلف شهوات در تمام مظاهر اجتماع این بیچارگان را بسوی خود میکشد ، چه کنند ؟ ! مبادی ایمانی و تربیت معنوی آنان آنقدر ضعیف است که قدرت کوچکترین مقاومتی در برابر سیل بنیان کن شهوات ندارد و چون پناه گاهی برای خود نمی‌بینند بزودی از پای درآمده و در لجن زار فساد و بدبختی فرو میروند !

همین قدر ملاحظه فرمائید در اثر يك جنبش مختصر که از طرف چند نفر روحانی آشنا باوضاع و بیدار بصورت مجله ای بنام «مک - اسلام» (آنهم ماهانه ، نه هفتگی و روزانه) چه تأثیر مثبت و عمیقی در افکار مردم مسلمان از عموم طبقات بخشیده ، این خود شاهد زنده مدعای ماست و مقیاسی برای دیگران است تا ببینند و درس بگیرند !

«درود بر بندگمان شایسته خدا»

آقای ابوالقاسم صادق طباطبائی - از همدان

ملاحظه منافع شخصی

امروزی بندوباری عجیبی از لحاظ اخلاق در جامعه ما حکم فرماست . موجی از مفاسد اخلاقی که بوجود آورنده آنها عدم توجه بتعالیم عالی اسلام است جامعه ما را فرا گرفته بطوریکه اگر تصمیمات جدی برای ریشه کن ساختن آنها اتخاذ نشود بیم آن می‌رود که عنقریب کشتی ملیت و هستی ما دستخوش این امواج شده و بکام نیستی فرورود . خوانندگان گرامی تصور نکنند که این انحطاط اخلاقی فقط در جامعه ما حکم فرماست . خیر ! در جوامع متمدن کنونی هم وجود دارد ولی بین جامعه ما و آنها یک فرق اساسی موجود است و آن اینست که در کشور - های متمدن زندگی صنعتی و تمدن مادی سرپوشی بر روی مفاسد اخلاقی آنها کشیده و ظاهر فریبنده آن توجه ما را نیز جلب نموده است ؛ و گرنه این مفاسد اخلاقی از همان اجتماعات سرچشمه گرفته و سیل خانمان برانداز آن از جامعه ما عبور نموده است !

مجلات و مطبوعات ما که خود را در کن چهارم مشروطیت می‌نامند از نام مقدس مطبوعات سوء استفاده کرده و بنشر عکسهای زننده و داستانهای واهی و خلاف اصول اخلاقی مبادرت می‌ورزند . انتشار این نوع مطبوعات در افزایش مفاسد اخلاقی سهم بزرگی را دارد . در غالب سینماهای کشور فیلمهای شهوت انگیز نمایش داده می‌شود و جای بسی

تأسف است که نام این اماکن را مؤسسه فرهنگی نامگذاری کرده اند !
 نواقص بر نامه های فرهنگی و عوامل دیگری که هر فرد با ایمانی آنها را تشخیص
 میدهد در این مورد دخالت دارند . تنها جلوگیری از یکی یادوتای آنها برای اصلاح اخلاق
 جامعه کافی نیست . اگر فرهنگ بتهنایی اصلاح شود و معلمین دلسوز بخواهند مضار تماشای
 فیلمها و مطالعات مانهای عشقی را بچوانان گوشزد کنند تا وقتیکه این عوامل فساد وجود دارند
 بنظر نرسد اندر زهای آنها سودمند افتد زیرا دانش آموز در نتیجه مطالعه ممتد احتیاج
 بتفریح دارد و چون مراکز تفریح ، منحصر به همین سینماها و تئاترها است خواهی نخواهی
 هر دانش آموزی برای رفع خستگی باین مکان ها قدم میگذارد ، پس باید علاوه بر آنکه مضار
 شرکت در این اجتماعات گوشزد شود ؛ دارندگان این اماکن هم بحال مردم دلسوزی نموده
 و تنها منافع شخصی رادر نظر نگیرند تا نتیجه مطلوب بدست آید . عدم تربیت صحیح خانوادگی
 هم در این مورد دخالت دارد اما باید دانست گرچه طفل مراحل اولیه حیات رادر خانواده
 میگذارد ولی در آینده سروکار بیشتری با اجتماع دارد و خواهی نخواهی بر رنگ جامعه در
 میآید خانواده بوجود آورنده اجتماع است و اگر جامعه فاسد نباشد دلیلی ندارد که خانواده ای
 در تربیت فرزندان خود کوتاهی کند باز که این مطالب روشن می شود که تا وقتی کارگرو
 کارفرما ، محصل و معلمات و دولت ، بایکدیگر تشریک مساعی نکنند و منافع
 شخصی رادر سود اجتماع مهتلك ندانند مجال است اخلاق جامعه اصلاح شود !

آقای محمود میرابزاده - از نائین

خلق را تقلیدشان پر باد داد !

سرچشمه همه بدبختیهای افراد و فساد جوانان و جامعه امروزی ، همه و همه در سایه
 شوم و نکبت بار تقلید کور کورانه از جنبه های منفی تمدن امروزی یا «اروپائی» است !
 جوانان ما که عادت بفکر کردن و تمقل پیدا نکرده اند و لوح ضمیرشان پاک و درخشان است
 خیال می کنند مطالبی که در یک کتاب نوشته شده و نویسنده آن خارجی است صد در صد درست
 است و آنرا وحی منزل می بندارند و بدون فکر بر آن صحه میگذارند ولو اینکه نویسنده
 منکر بدیهیات شده باشد .

بهران و مادران هم که بچه های شان را عادت نداده اند فکر کنند و چه بسا خود آنها باعث
 دیدنی آنها شده اند در نتیجه این لاابالیگری افکار آنها چنان تاریک و غیر منطقی بار میآید
 که روشن کردنش با آسانی ممکن نیست ، دستهای مرموزی هم چه در داخل کشور و چه

در خارج بتخریب افکار جوانان ما باشد هر چه تمامتر مشغول فعالیت است و هر عمل زشت و قبیح را آبرورنگ تمدن می‌بخشد؛ بعقیده بنده برای تنویر افکار جوانان باید این نکات مورد توجه قرار گیرد:

- ۱ - ساعات دروس دینی در مدارس افزایش یابد.
- ۲ - حتی المقدور سعی شود معلمین مدارس مخصوصاً مدارس ابتدائی جوانانی متدین باشند.
- ۳ - دستگاه مطبوعاتی کشور از چاپ و انتشار کتب گمراه کننده جداً جلوگیری بعمل آورد و هیئت نظارتی برای این کار تعیین شود.
- ۴ - کتابهای مذهبی و اخلاقی بقیمت نازلتری فروخته شود تا همه افراد قادر به تهیه آن باشند.
- ۵ - دولت اجازه ندهد فیلمهای جنائی و پلیسی و عشقی در معرض نمایش قرار گیرد.
- ۶ - فروش نوشابه‌های الکلی بکلی قدغن شود.

آقای علی اکبر اصغری - از بناب

این چهار موضوع از همه مؤثرتر است:

نمیشود تردید کرد که اکثریت طبقه جوان چنان در کام امواج شهوات فرو رفته‌اند که بکلی رشته‌های فضیلت و پیوندهای تقوی در وجود آنان گسیخته و ستاره سعادت و نیکبختی آنها رو بافول نهاده است. اکنون باید دید ریشه اینهمه فساد اخلاقی که قابل توصیف نیست کجاست و چه چیز است؟

بعقیده نگارنده در این خصوص نمی‌توان يك امر بالنخصوص را معرفی کرد و گفت علت فساد اینست؛ بلکه باید گفت: فساد از عوامل زیادی سرچشمه می‌گیرد که اهم آنها بطور خلاصه چهار چیز است:

- ۱ - نبودن تربیت صحیح خانوادگی.
- ۲ - نبودن حس مسئولیت نسبت بدستورات دینی و اخلاقی.
- ۳ - حلوه دین - که یگانه مصلح اخلاق است - بمنزله معمای لابنحلی در نظر آنان بواسطه مخلوط گشتن دین واقعی با خرافات و اوهام که تشخیص آن بسیار کار دشواری می‌باشد!
- ۴ - تأثیر مفاسد محیط در روحیه و افکار آنان از قبیل بعضی مطبوعات مخالف اخلاق.